

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۴

سبک‌شناسی جامع غزلیات هوشنگ ابتهاج

(ص ۳۴۹ - ۳۶۸)

عبداله مرادی^۲، مظاهر نیکخواه (نویسنده مسئول)^۳، حسین خسروی^۴

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

هوشنگ ابتهاج (ها.سایه) یکی از شاعران برجسته معاصر است که هر دو زمینه شعرسنتی و نو را در سرایش آزموده است. گرچه او در زمینه شعر نیمایی هم موفق عمل کرده است، اما میتوان گفت در میان تمام قالبهای شعر فارسی، ارادت ابتهاج به غزل، آن هم غزل حافظ گونه، بیش از سایر قالبهاست. چرا که غزل از منظر او با مفاهیم بلندی که روح ادبی فارسی زبان آن، قرن‌ها با آن زیسته است و با آن نفس کشیده از قبیل: عشق، رندی، قلندری، ملامت و مرگ آگاهی و... درآمیخته است. از سوئی دیگر شعر نوی او نیز اجرای مدرنتری از ایده های غزل اوست؛ به گونه ای که زمانی شعر او دارای پیچیدگیهای زبانی و هنری است و زمانی دیگر برای بیان افکارش از اشعاری با زبانی سهل الممتنع استفاده میکند. با توجه به اهمیت آثار شعری ابتهاج در گستره ادبیات معاصر فارسی، در این تحقیق ضمن معرفی اجمالی هوشنگ ابتهاج و جایگاه وی در ادبیات معاصر، به واکاوی و تحلیل سبک، زبان، اندیشه و ساختار شعری او پرداخته و دلایل موفقیت این شاعر را در این حوزه ها باز میشناسیم.

کلیدواژه‌ها: هوشنگ ابتهاج، صورخیال، غزل معاصر، سبک، عناصر شعری

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد (beh Yad03@gmail.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد

(mazahernikkhah@gmail.com)

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد (k_khosravi2327@yahoo.com)

۱- مقدمه

هوشنگ ابتهاج شاعری است که در هر دو حوزه شعر کلاسیک و نو طبع‌آزمایی کرده و کمتر شاعری توانسته است همچون وی در هر دو زمینه، کارنامه قابل قبولی از خود به جای بگذارد. اما آنچه او و شعرش را در ذهن و دل و فرهنگ مردم جای داده است غزلیات ناب و لطیف اوست.

دکتر غلامحسین یوسفی در رابطه با شعر «سایه» چنین نگاشته است: «در غزل فارسی معاصر، شعرهوشنگ ابتهاج در شمار آثار خوب و خواندنی است. مضامین گیرا و دلکش، تشبیهات، استعارات، صورخیال بدیع، زبان روان و موزون و خوش‌ترکیب و هم‌آهنگ با غزل از ویژگیهای شعر اوست و نیز رنگ اجتماعی ظریف آن یادآور شیوه دلپذیر حافظ است.» (چشمه روشن، یوسفی: ص ۷۶۱).

از سویی دیگر، سایه در هیئت یک شاعر نیمایی، چندان از سایه غزلسرا دور نیست، بلکه شاید آن بعد اجتماعی و تلاش برای رسیدن به ایده‌های بیرونی‌تر در این نوع شعر بیشتر دیده شود. اما بطور کلی بسیاری از منتقدان سایه، قوت او را در مقام یک شاعر نیمایی، همسنگ طراوتش در مقام یک غزلسرا نمیدانند.

در مقاله حاضر در صدد هستیم ضمن ارائه شرح حال و معرفی سایه، به دلایل توفیق این شاعر در عرصه غزل معاصر فارسی پرداخته و ویژگیهای ساختاری و مضمونی اشعار وی را باز شناسیم.

۲- بیان مسأله تحقیق

مقاله حاضر با توجه به تحلیل و بررسی عناصری چون: زبان، موسیقی، صورخیال، عاطفه و اندیشه شعری- که بخشی از ساختار شعر را پدید می‌آورند- در اشعار هوشنگ ابتهاج صورت گرفته است. هدف این پژوهش تحلیل و بازنمایی ویژگیهای اشعار سایه از زوایای یاد شده و تبیین دلایل توفیق وی در این زمینه هاست.

سوالاتی که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آنهاست عبارتند از:

(۱) منشاء تخیل در اشعار سایه چه بوده و گستره خیال در اشعار وی دارای چه ویژگیهایی است؟

(۲) ویژگی فرم در اشعار سایه چیست و چه عاملی سبب انسجام ساختاری غزلهای سایه شده است؟

۳) مرزهای تخیل و واقعیت در اشعار سایه چگونه ترسیم شده است و آیا تناسبی بین تخیل و مضامین اجتماعی اشعار وی وجود دارد؟

۳-پیشینه تحقیق

در رابطه با بررسی و تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج، تحقیقات ارزشمندی تاکنون صورت گرفته است از جمله این تحقیقات عبارتند از:

الف) مقاله‌ای تحت عنوان «حافظ و سایه: مکالمه گرایي از ساخت متن تا ساخت اجتماع» از مجید بهره‌ور، ۱۳۹۲، فصلنامه نقد ادبی. در این تحقیق می‌خوانیم: مکالمه‌گرایی ابتهاج از نشانه‌های متنی تا سطح اجتماع در نوسان است. ازسویی، ارجاع‌های بینامتنی او بیشتر به محور همنشینی سخنش از جمله بازتولید رمزگان زبانی، شیوه بیان و موسیقی شعر حافظ محدود شده است و از دیگر سو، گفتمان تاریخی او به ویژه در سه قطب جامعه، انسان و عشق، جدالی با سخن حافظ دارد.

ب) پایان‌نامه‌ای با عنوان: «تحلیل تطبیقی سبک شناسیک غزل هوشنگ ابتهاج و غزل حسین منزوی» از هاجر امامی بندپی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰. در این تحقیق ضمن بررسی شاخصه‌های سبک شناسی غزل در شعر معاصر، به بررسی مقایسه‌ای اشعار هوشنگ ابتهاج و حسین منزوی پرداخته شده است.

ج) تحقیقی با عنوان: «مقایسه فرم و محتوای اشعار سیاوش کسرایی و هوشنگ ابتهاج» از فاطمه کریمی، دانشگاه یاسوج، ۱۳۹۲. در این تحقیق می‌خوانیم: هوشنگ ابتهاج و سیاوش کسرایی هر دو از شاعران نامی معاصر هستند که در قالب‌های غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، قطعه و اشعار نو(نیمایی) طبع آزمایی کرده‌اند. ابتهاج و کسرایی در آغاز، اشعار غنایی و تغزلی می‌سروده‌اند، اما در دهه سی، شرایط و اوضاع نابسامان جامعه سبب شد که به سرودن اشعار اجتماعی روی آورند. اگر چه در اشعار ابتهاج مضامین اجتماعی جالب توجهی مشاهده می‌شود، اما عمده محور فکری وی عشق و مضامین غنایی و عمده محور فکری کسرایی، مسائل سیاسی و اجتماعی است.

د) تحقیقی با عنوان: «تحلیل مفهوم حسرت در محتوا و فرم غزل معاصر بر اساس غزلیات حسین منزوی و هوشنگ ابتهاج» از مهدیه میرزایی، دانشگاه رازی، ۱۳۹۱. در این تحقیق می‌خوانیم: یکی از عواطفی که می‌تواند نقشی مهم در تعیین نحوه نگرش انسان به جهان پیرامون ایفا کند، عاطفه حسرت است. از آن جا که غزل، محملی مناسب برای ابراز بسیاری از عواطف درونی است، تجلی این عاطفه در قالب غزل، نسبت به دیگر شیوه‌های سخن

سرایی، بیشتر و بارزتر است. درمیان غزل سرایان معاصر، حسین منزوی و هوشنگ ابتهاج جایگاهی ویژه دارند. منزوی از سرآمدان غزل نو محسوب می‌شود و ابتهاج از بزرگان غزل نیمه سستی. این دو شاعر در جای جای غزلیاتشان از عواطف گوناگون خویش سخن رانده‌اند.

۴- روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه کار و استخراج اطلاعات بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و با ابزار فیش می‌باشد. در روند این پژوهش تلاش شده است با رجوع به منابع و آثار دسته اول و مقالات و مجلات ادبی و اینترنت، مواد اولیه تحقیق به صورت فیش جمع آوری شود. سپس به دسته بندی و ویرایش مواد جمع آوری شده بر اساس طرح تحقیق پرداخته و ضمن تحلیل و بررسی اشعار این شاعر، به ارزیابی نهایی و بیان نتایج حاصله اقدام شده است.

۵- ویژگیهای برجسته اشعار ابتهاج

۵-۱- سطح زبانی

عاطفه از مهمترین عناصر سازنده شعر است و خواننده نیز بیشترین تأثیر را از جنبه عاطفی شعر میگیرد. اگر عنصرهای صوری شعر، یعنی خیال، زبان و موسیقی شعر، حس زیبایی پسندی خواننده را اقتناع میکنند، عاطفه به باطن او نقب میزند و زیباییهای معنوی را که پنهانتر و البته والاتر از زیبایی صورت هستند، نشان میدهد.

۵-۱-۱- سطح آوایی

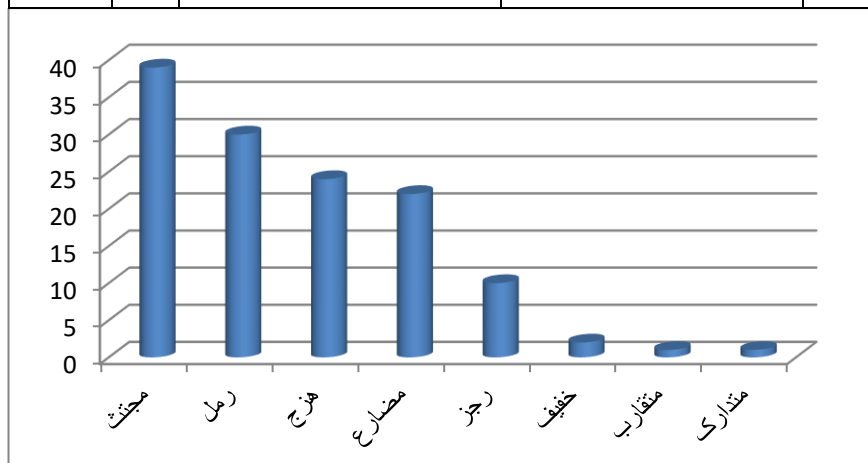
سطح موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبتهای وزنی، قافیه، ردیف و آرایه های لفظی است که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه‌های او نقش مؤثر دارد.

الف) موسیقی بیرونی (وزن): بررسی این جنبه از موسیقی در غزلیات ابتهاج نشان میدهد که وی در غزل‌های خود از بیست و یک وزن استفاده کرده است. لازم به ذکر است ۴۹ غزل ایشان یعنی ۳۷/۹۸ درصد در اوزان دوری سروده شده است. «اوزان دوری به وزن مصراع می‌گفته میشود که بتوان خود آن مصراع را مرکب از دو نیم مصراع متساوی پنداشت. هریک از این دو پاره‌ها دو رکن مختلف دارد که عیناً در پاره دوم تکرار میشود. در وزن دوری غالباً کلام در پایان پاره با رکن دوم تمام میشود. به هر حال در وسط مصراع مکث میکنیم. (سبک‌شناسی شعر، شمیس:ص ۷۰) لحن ابتهاج در غزلیاتش شاد و فرح انگیز است.

جدول ۲- بحرهای و وزن‌های به کار رفته در غزلیات

ردیف	بحر	وزن	بسامد	درصد
۱	مجتث‌مثنی‌مخبون‌محدوف	مفاعِلن فَعْلَاتِن مفاعِلن فَعْلن	۳۹	۳۰/۲۳٪
۲	مضارع‌مثنی‌اخرَب مکفوف‌محدوف	مفعول فاعلات مفاعیل فاعِلن	۱۹	۱۴/۷۲٪
۳	رمل‌مثنی‌محدوف	فاعلاتِن فاعلاتِن فاعلاتِن فاعِلن	۷	۵/۴۲٪
۴	رمل‌مثنی‌مخبون‌محدوف	فاعلاتِن فاعلاتِن فاعلاتِن فَعْلن	۲۰	۱/۵۵٪
۵	هزج‌مثنی‌اخرَب مکفوف‌محدوف	مفعول مفاعیل مفاعیل فَعولن	۱۱	۸/۵۲٪
۶	هزج‌مثنی‌سالم	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۵	۳/۵۸٪
۷	مضارع‌مثنی‌اخرَب صدر‌سالم‌عروض	مفعول فاعلاتِن مفعول فاعلاتِن	۳	۲/۳۲٪
۸	هزج‌مثنی‌اخرَب	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	۳	۲/۳۲٪
۹	خفیف‌مسدس‌مخبون‌مقصور	فاعلاتِن مفاعِلن فَعْلن	۲	۱/۵۵٪
۱۰	رجز‌مثنی‌مخبون	مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن	۵	۳/۵۸٪
۱۱	هزج‌مسدس‌اخرَب‌مقبوض	مفعول مفاعِلن مفاعیلن	۱	۷۷٪
۱۲	رمل‌مثنی‌مشکول	فعلات فاعلاتِن فعلات فاعلاتِن	۱	۷۷٪
۱۳	مقارِب‌مثنی‌سالم	فعولن فعولن فعولن فعولن	۱	۷۷٪
۱۴	رجز‌مثنی‌مطوی‌مخبون	مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن	۳	۲/۳۲٪

۱۵	رمل مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن فعاتلن فعلن	۱	۷۷٪
۱۶	رجز مثنی‌س سالم	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	۲	۱/۵۵
۱۷	هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف	مفعول مفاعیلن فعولن	۱	۷۷٪
۱۸	هزج مثنی‌س مطوی	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	۱	۷۷٪
۱۹	هزج مسدس محذوف	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	۱	۷۷٪
۲۰	رمل مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن فاعاتلن فاعلن	۱	۷۷٪
۲۱	بحر متدارک مثنی‌س سالم	فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن	۱	۷۷٪
۲۲	بحر هزج مثنی‌س مکفوف	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۱	۷۷٪



شکل ۱- نمودار بحرهای و وزن‌های به کار رفته در غزلیات

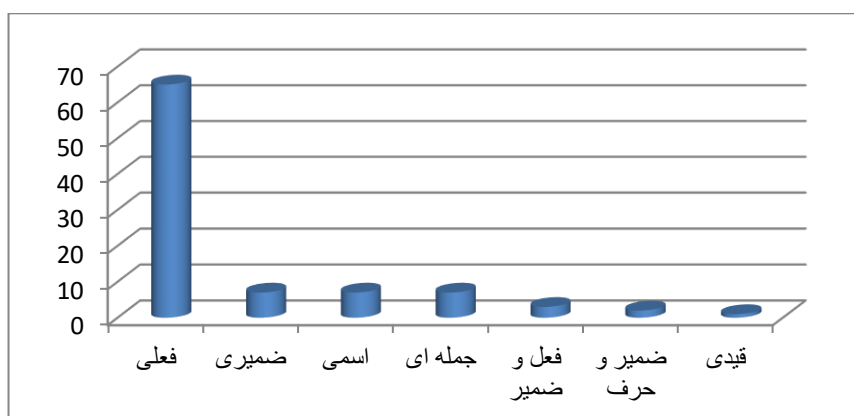
ب) موسیقی کناری (قافیه و ردیف):

۱) قافیه: استعمال قافیه‌های ساده و به دور از تکلف از مهارت و دقت این شاعر در آفرینش سروده‌هایش خبر میدهد. ابتهاج علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا و موزون به محتوای سخن خویش توجه دارد و این به خاطر آگاهی او از علوم زمان خویش است.

۲) ردیف: ابتهاج از تاثیر موسیقی کناری بر غنای موسیقی شعر آگاه است به همین خاطر از ردیفهای فعلی بهره میگیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و پویایی بیشتر در شعر به اهداف معنایی و محتوایی خود نیز دست یابد. "ردیفهای فعلی به فضای شعر، پویایی و حرکت میبخشند و در مقابل ردیفهای اسمی و حرفی سبب ایستایی شعر میشوند." (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکني ص ۲۳۶) تأمل در غزلیات ابتهاج نشان میدهد که از مجموع ۱۲۹ غزل وی، ۹۳ غزل دارای ردیف است یعنی دقیقاً ۷۲ درصد از مجموع غزلیات ایشان. از این تعداد ۶۵ غزل دارای ردیف فعلی، ۸ غزل دارای ردیف ضمیری، ۷ غزل دارای ردیف اسمی، ۲ غزل با ردیف جمله‌ای، ۲ غزل با ردیف ضمیر و حرف، ۳ غزل دارای ردیف فعل و ضمیر، ۱ غزل دارای ردیف قیدی، میباشد. سایه ردیف را برای انسجام شعرش لازم میداند و به وسیله آن بر غنای موسیقایی شعرش می‌افزاید. علاوه بر ردیف واژگانی، از ردیفهای فعلی هم استفاده نموده، خصوصاً از نوع کهن آن، که با بافت غزل سایه تناسب دارد.

جدول ۵- درصد و انواع ردیف در غزلها

نوع ردیف	فعلی	ضمیری	اسمی	ضمیر و حرف	جمله‌ای	قیدی	ضمیر و فعل	جمع
تعداد	۶۵	۸	۷	۲	۷	۱	۳	۹۳
درصد	۶/۸۹ ۹	۸/۶۰	۷/۵۲	۲/۱۵	۷/۵۲	۱/۰۷	۳/۲۲	۱۰/۰



شکل ۲- نمودار درصد و انواع ردیف در غزلها

ج) موسیقی درونی:

۱) تکرار کلمه: «بدین گونه که واژه‌ای خواه اسم یا فعل یا حرف در عبارت و بیتی چند بار تکرار شود.» (طراز سخن، صادق‌یان: ۸۹) استفاده از اقسام تکرار، اصلیت‌ترین خصیصه شعر ابتهاج و یکی از دلایل تشخیص ایشان است و این خصیصه باعث تمایز وی از دیگر معاصران شده است. با وجود این اگر قائل به سبک شخصی برای ابتهاج باشیم که در آن شکی نیست، باید اولین ویژگی سبک شخصی او را تکرار فراوان واژه‌ها دانست و در سطوح مختلف (واک، هجا، واژه، جمله و عبارت) در شعر او دیده می‌شود.

۲) جناس: جناس آن است که گوینده یا نویسنده در ضمن سخن، کلمات هم جنس بیاورد که در ظاهر به یک دیگر شبیه و در معنی مختلف باشند. (فنون و صنایع ادبی، همایی: ۴۴) انواع جناس تام، افزایشی و اشتقاقی در غزلیات سایه بکار رفته است.

۳) جناس زائد: که به جز ۳۲ مورد (۳۴/۰۴) جناس زائد، ۶۲ مورد از انواع دیگر جناس در غزل او وجود دارد.

- جناس تام: سایه، سایه - بار، بار

- جناس محرف: سر، سر

- جناس خط: بیش، بیش

سایه خلموش کزین جان پر آتش که مراست آه را گر بدهم راه جهان میسوزد
(همان: ۱۴۷)

۴) نغمه حروف: علاوه بر تکرار و جناس آنچه موجب اعجاز موسیقی در غزلیات ابتهاج شده، صنعت هم حروفی و هم صدایی کلمات و واج هاست.

کنج تنهایی ما را به خیالی خوش کرد خواب خورشید به چشم شب یلدا زد و رفت
(همان: ۲۵۵)

صامت «خ» ۴ بار تکرار شده که بر موسیقی کلام افزوده است.

۵) قافیه درونی: ابتهاج با استفاده از قافیه میانی در برخی ابیات، امکان تنفس در میان خواندن مصراع‌ها به خواننده داده است:

گر سوختنم باید افروختنم باید ای عشق بزن در مآن کز شعله نپرهیزم
(همان: ۱۳۲)

۵-۱-۲- سطح لغوی

باستان‌گرایی یکی از راه‌های برجسته کردن و تشخیص بخشیدن به زبان شعر است. هوشنگ

ابتهاج با توجّه به ساخت بیانی شعر خویش، به واژه‌های کهنه روی می‌آورد. در شعر سایه باستان‌گرایی بیشتر در حوزه‌های نحوی و واژگانی است و بسامد آن، در حوزه واژگانی بیشتر است. نرسید آن ماهی که به تو پرتوی رساند دل آبیگینه بشکن که نماند جز غباری (ابتهاج، ۱۳۷۸: ۱۴۲)

شهریارا تو بمان بر سر این خیل یتیم پدرا، یارا، اندوه گسارا تو بمان (همان: ۸۳)

باستان‌گرایی در میان جملات و عبارات شعر ابتهاج مشهود است.

حس و هنر به هیچ، ز عشق بهشتی ام شرمی نیامدت که ز چشم فکنده‌ای؟ (همان: ۳۵)

۵-۱-۳- سطح نحوی

الف) فعل‌های ساده: سایه در این بخش، بیشتر از فعل‌هایی استفاده کرده است که امروزه کاربرد چندانی ندارند. فعل‌های ساده قدیمی نیز جایگاه ویژه‌ای در اشعار سایه دارند.

صد دوزخ اینجا بفسرد، آری عجب نیست گر در نگیرد آتشت با سینه سردان (همان: ۲۴۴)

۱) استعمال جزء پیشین «م» برای فعل نهی:

من می‌شناسم این دل مجنون خویش را پندش مگوی که بی‌حاصل است این (همان: ۴۵)

۲) تخفیف افعال ساده:

ز پا فتادم و در سر هوای روی تو دارم مرا بکشتی و من دست بر دعای تو میرم (همان: ۲۱)

۳) فعل‌های پیشوندی (۴۸ مورد یعنی ۴۷/۳۷٪):

برین خاک بیفتید که آن لاله فروریخت برین باغ بگریید که آن سرو فرارفت (همان: ۱۰۳)

۴) فعل‌های پیشوندی مرکب (۲ مورد یعنی ۱/۷۲٪) وجود این گونه افعال با ساختهای کهن در شعر سایه نشانگر قدرت و توانایی شاعر بر کشف ظرفیتهای شعر فارسی است. این بافت کهن به زبان شعر او شکوه و عظمت خاصی بخشیده است.

نه چنان شکست پشتم که دوباره سر بر آرم منم آن درخت پیری که نداشت برگ و باری (همان: ۱۴۴)

۵) فعلهای مرکب (۲۷مورد یعنی ۲۳/۲۷٪): سایه بیشتر در ساختمان این نوع افعال، خاصه در قسمت پایه از واژههای کهن استفاده میکند و این‌گونه به نظر میرسد که ایشان در آثار کهن فارسی به ویژه سبک خراسانی تحقیق و تعمق داشته که به این صورت از ظرفیتهای آنها استفاده میکند و بین زبان پیشین و معاصر ارتباط برقرار میکند.

نگاه کن که زهر بیشه در قفس شیریست بلوچ و کرد و لرو ترک و گیله مرد اینجاست
(همان: ۲۵۰)

۶) فعلهای دعایی:

چو غنچه تنگ دلی هرگز ش میاد آن گل که بوی خوش ز نسیم صبا دریغ نکرد
(همان: ۵۹)

۷) باستان‌گرایی در قیدها (۴۸مورد یعنی ۱/۵۸٪):

روزی که جان فدا کنمت باورت شود دردا که جز به مرگ نسجند قدر مرد
(همان: ۸۹)

۸) باستان‌گرایی در صفات (۱۷مورد یعنی ۱٪):

تو آبی و من آتش وصل تو نمیخواهم این سوختنم خوش‌تر از سردی و خاموشی
(همان: ۲۴)

۹) باستان‌گرایی در حروف:

- «گر» به جای حرف ربط «اگر» (دستور زبان فارسی، انوری و احمدی گیوی: ۳۶۳)
حلقه گیسو به گرد گردنش حسرت نماست ای دریغا گر رسیدی دست من در گردنش
(همان: ۱۳)

- «وین» به جای حرف ربط «و+این»، «وز» به جای «و+از»، «ور» به جای «و+اگر»،
«وان» به جای «و+آن»، (دستور تاریخی زبان فارسی، ابوالقاسمی: ۳۰۰)

هردم پیش آید و با صد زبان خواند به چشم وین چنین بگریزد و پرهیز باشد از منش
(همان: ۱۳)

- «کز» به جای حرف ربط «که+از» و «کاین» به جای «که+این» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۰۰-۲۹۸)

تنور سینه سوزان ما به یاد آرید کز آتش دل ما پخته گشت خام شما
(همان: ۱۱)

- «زین» به جای حرف اضافه «از+این»، «زان» به جای «از+آن»، «ز» به جای «از» (دستور تاریخی زبان فارسی، ابوالقاسمی، ۳۰۰)
- زین پیش از پس و پیش زلف دو تا مگستر در پیش پای دلها دام بلا مگستر
(همان: ۲۳)
- به کار بردن حرف اضافه «اندر»
- گذرگهی‌ست پرستم که اندر او به غیر غم یکی صلائی آشنا به رهگذر نمیزند
(همان: ۸۰)
- «را» به معنی «برای»
- چو بشنوی غزل سایه چنگ و نی بشکن که نیست ساز تو را زهره سوز ناله من
(همان: ۲۱)
- ۱۰) باستانگرایی در ضمائر:
- در کنج قفس میکشدم حسرت پرواز با بال و پر سوخته پرواز چه سازم
(همان: ۱۹۰)
- ۱۱) باستانگرایی در جمع‌های فارسی:
- بگیرم آن سر زلف و به روی دیده نهم ببوسم آن سر و چشمان دل ربای تو را
(همان: ۱۶۰)
- ۱۲) جمع بستن تعدادی از اسامی به جای «ها» با «ان»:
- بپرس سایه ز مرغان آشیان بر باد که میروند ازین باغ دسته دسته کجا
(همان: ۱۱۴)
- ۱۳) جمع بستن اسامی زمان و مکان با «ان»
- چه چراغ چشم دارد از شبان و روزان که به هفت آسمانش نه ستاره‌ای است باری
(همان: ۱۴۲)
- ۱۴) باستان‌گرایی در شبه‌جمله‌ها (صوت):
- آه ای دل ناخرسند در حسرت یک لبخند خون جگر تا چند مینوشی و مینوشی
(همان: ۲۴)
- ۱۵) باستان‌گرایی در جملات و عبارات:
- حس و هنر به هیچ، ز عشق بهشتی‌ام شرمی نیامدت که ز چشمم فکنده‌ای؟
(همان: ۳۵)

(۱۶) آغاز ابیات با حروف اضافه (۳۶۰ مورد یعنی ۳۲/۷۸٪)

با این دل ماتم زده آواز چه سازم بشکسته نیم بی لب دم ساز چه سازم
(همان: ۱۹)

(۱۷) گروه‌های منادایی (۱۵ مورد یعنی ۱/۳۶٪):

ای فرستاده سلامم به سلامت باشی غمم آن نیست که قادر به غرامت باشی
(همان: ۳۳)

۵-۲- سطح ادبی

بررسی این بعد از غزلیات ابتهاج نشان میدهد که وسعت دایره تخیل و تلاطم امواج معانی به ذهن خلاق شاعر اجازه نداده تا آنها را ساده و ابتدایی بیان کند از این رو با استفاده از تکنیک‌های بیانی و فنون ادبی را در قالب تعبیرات تازه خود میریزد تا صورخیال را زنده تر سازد. ضمن اینکه شاعر اصرار دارد از کلمات، معانی صریح آنها را اراده نکند.

۵-۲-۱- تصویرسازی

شعر تنها حرف و واژه نیست، بلکه تصویر و نمایشی است که براساس حروف و کلمه صورت میگیرد. سایه علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا، به معنا و محتوای سخن خود نیز توجه دارد. تصویر آفرینی‌های زیبای او در غزل گویای همین مطلب است. او این تصاویر پویا و متحرک را در موارد زیر بکار برده است.

الف) تشخیص: در بسیاری از غزلهای ابتهاج اعضا یا صفات مربوط به انسان، به عشق و مفهوم انتزاعی یا به طور کلی غیرمحسوس نسبت داده می‌شود ۱۰۲ مورد - ۴۴/۱۵٪
زدست هجر تو جان می‌برم به حسرت روزی که تو ز راه بیایی و من به پای تو می‌رم
(ابتهاج، ۱۳۷۸: ۲۱)

ب) مبالغه در تصویر: مبالغه در غزلیات ابتهاج به ندرت دیده میشود. این آرایه در چهل و چهار بیت یعنی ۴/۲۷ درصد به کار رفته است.

موج رقص انگیز پیراهن چو لغزد بر تنش چنان به رقص آید مرا از لغزش پیراهنش
(همان: ۱۳)

ج) تصاویر مینیاتوری: ابتهاج در غزلیات خود تحولات اجتماعی جامعه را همچون تابلویی مینیاتوری در قالب الفاظ و تخیلات شاعرانه برای مخاطب به تصویر میکشد (۲۲ مورد - ۳/۲۵٪).

جنگل سرسبز در حریق خزان سوخت خیره بر او چشم خون گرفته خورشید

دامن دشت از غبار سوخته پر شد مرغ شب از آشیانه پر زد و نالید
(همان: ۳۱۰)

۵-۲-۲- بیان

در بین صور خیال تشبیه، استعاره و کنایه پربسامد هستند. گرایش ابتهاج به استعاره و کنایه اغلب به خاطر ایجاز در کلام، بیان حالات لطیف و شاعرانه، لفظ‌پردازی و مضمون‌آفرینی است. **الف) تشبیه:** در تشبیهات شاعر به دنبال خلق افق‌های معنایی و تصویرسازیهای نو و بدیع است، از آنجا که ذهن و تخیلی دور پرداز و دقیق دارد گاه وجه شبه‌های دور از ذهن را بر میگزیند که از علل دشواری فهم شعر او نیز به حساب می‌آید.

۱) بسامد و درصد انواع تشبیه باعتبار طرفین

- حسی به حسی (۱۰مورد- ۴۵/۴۵٪):

حلقه گیسو به گرد گردش حسرت نماست ای دریغا گر رسیدی دست من در گردش
(همان: ۱۳)

- عقلی - حسی (۹مورد- ۴۰/۹۰٪):

خار حسرت زندم زخمه به تار دل ریش چون هوای گل و مرغان هماواز کنم
(همان: ۴۷)

- حسی به عقلی (۲مورد- ۹/۰۹٪):

با جان سایه گرچه در آمیختی چو غم ای دوست شاد باش که شادی سزای دوست
(همان: ۴۱)

- عقلی به عقلی (۱مورد- ۴/۵۴٪):

همنشین جان من مهر جهان افروز دوست گر زجان مهر تو برخیزد جهانی گو مباش
(همان: ۵۷)

۲) انواع تشبیه به لحاظ شکل

- تشبیه مفروق (۱۸مورد- ۳۷/۵٪):

تو غنچه بودی و من عندلیب باغ تو بودم کنون به خواری‌ام ای گلبن شکفته چه رانی
(همان: ۴۲)

- تشبیه مضمّر (۲۴مورد- ۵۰٪):

آینه خورشید شود پیش رخ روشن او تاب نظر خواه ببین کاینه تابید مرا
(همان: ۱۰۶)

- تشبیه تفضیل (مورد-۱۲/۵):

خوشا به پای تو سر سودنم چو شاهد مهتاب ولی تو سایه برانی ز خود که سرو روانی
(همان: ۴۲)

ب) استعاره: ذهن خلاق و سرشار از تخیل شاعر مانع از تقریر ساده معنا میشود و چون استعاره در شعر از تشبیه تاثیر گذارتر است زیبایی بیشتری به غزلیات داده است. کاربرد استعاره مصرّحه نسبت به تشخیص یا استعاره مکنیه در شعر ابتهاج بیشتر است و ۱۲۹ مورد یعنی (۵۵/۸۴٪)، اسعاره مصرّحه و ۱۰۲ مورد (۴۴/۱۵٪) استعاره مکنیه است.

چه سالها که به پای تو شاخ گل بنشستم که بشکفی و گلی پیش روی من بنشانی
(همان: ۴۲)

زمان به دست شما میدهد زمام مراد از آن که هست به دست خرد زمام شما
(همان: ۱۲)

ج) کنایه: از دیگر عناصر بیان که در غزل ابتهاج به وفور یافت میشود، کنایه است که بسیاری از آنها را از زندگی عادی مردم و از اعتقادات عوام و از رسوم اهل حرفه و پیشه و امثال آن گرفته است. در مجموع ابیات وی تعداد ۸۷ مورد کنایه حدود ۳۷٪ وجود دارد. چون که من از پا فتادم دستگیری گو مخیز چون که من از سر گنشم آستانی گو میتاش
(همان: ۵۸)

از پا افتادن: کنایه از بدبخت شدن.

۵-۲-۳- معانی

مضمون اصلی غزل ذکر فراق و محرومی و کام نیایی‌هاست و در غزل ابتهاج غالباً ذکر زیبایی معشوق، بی وفایی و سنگدلی او و قصه فراق و محنت کشیدن عاشق است. «موضوع علم معانی عمده بررسی جملات از حیث معانی و کاربردهای ثانوی است که متکلم به مقتضای حال مخاطب ایراد کرده است.» (بیان و معانی: شمیسا: ص ۳۳۱).

سایه توانسته با نگاهی نو، در غزل، پیوند درونمایه‌های شعری با مضامین اجتماعی، توازن آوایی، تلفیق هدفمند و هنرمندانه شعر و موسیقی، در لایه‌های مختلف جامعه نفوذ کند؛ بدیهی است که محور غزلیات او جملات خبری در معانی ثانوی تاثر و اندوه است. که بیشترین جملات را به خود اختصاص می‌دهد.

هر پاره دلم لب زخمی ست خون فشان جز خون چه میرود ز دل پاره پاره‌ای
(همان: ۲۰۰)

پس از جملات خبری، جملات امری در قالب التماس و ترغیب معشوق برای وصل از بسامد بالایی برخوردار است.

بکن هر آنچه توانی جفا به سایه بی‌دل مرا ز عشق تو این بس که در وفای تو میرم
(همان: ۲۱)

جمله‌های پرسشی که بیشتر در بیان حالت عجز عاشق و استرحام است بسامد اندکی دارد. چه خواهی از سرمن ای سیاهی‌شب هجران سپید کردی چشمم در انتظار سپیده
(همان: ۳۲)

۵-۲-۴- بدیع معنوی

الف) تلمیح (۶۰ مورد - ۶/۹۰٪): استفاده ابتهاج از نام شخصیت‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی و تلمیح به داستان زندگی آنها نشان‌دهنده این مطلب است که شاعر به سرگذشت پیشینیان خود اهمیت میداده و گاهی زندگی و سرنوشت آنها را مایه عبرت میدانسته است. بیش از همه پیامبران به داستانهای مربوط به حضرت ابراهیم و یوسف توجه دارد.

بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم مژده ای دل که گلستان شده بیت الحزنت
(همان: ۱۳۶)

ب) اغراق (۴۴ مورد - ۵/۶٪):

سایه! سخن از نازکی و خوش‌بدنی نیست او خود همه جان است که در جامه درون است
(همان: ۱۱۹)

ج) تناسب (۴۵۰ مورد - ۵۱/۷۸٪):

تنور سینه سوزان ما به یاد آرید کز آتش دل ما پخته گشت خام شما
(همان: ۱۱)

د) تضاد (۳۰۱ مورد - ۳۴/۵۲٪):

ز صدق آینه کردار صبح خیزان بود که نقش طلعت خورشید یافت شام شما
(همان: ۱۲)

ه) لف و نشر (۳ مورد - ۰/۳۴٪):

نوری برای دوستان، دودی به چشم دشمنان من دل بر آتش مینهم، این همه را افزون کنيد
(همان: ۱۲۹)

(و) **ایهام تناسب** (۱۲ مورد - ۱/۳۸):

چشمم چو قدح بر لب نوشت نگران است ای ساقی سرمست شبی نیز مرا باش
(همان: ۲۰۴)

۵-۳- سطح فکری

۵-۳-۱- مضامین عاشقانه

ابتهاج، پیرو مکتب شعرایی چون حافظ، سعدی و مولانا است و میتوان او را چکیده‌ای از این افراد دانست. از تعداد ۱۲۹ غزل او جز ۲ مورد، در بقیه غزلها معشوق زمینی است که برخاسته از تخیل شاعر در مضمون پردازی است. لذا میبینیم که عشق و سوختن در راه معشوق، در غزلیات سایه به اشکال مختلف بیان میشود.
روی تو گلی ز بوستانی دگرست لعل لب‌ت از گوهر کانی دگرست
(ابتهاج، ۱۳۷۸: ۹۷)

• عشق موهبتی الهی

ابتهاج معنایی متعالی به عشق میبخشد که از دیدگاه وی موهبتی است که در سراسر شعرش جریان دارد:
پیش رخ تو، ای صنم! کعبه سجود میکند در طلب تو آسمان جامه کبود میکند
(همان: ۱۲۰)

۵-۳-۲- مضامین عارفانه

ابتهاج به خوبی توانسته است از اندیشه‌های عرفانی و آموزه‌های عرفانی کلاسیک بهره برد با بررسی اشعار و غزلیات سایه به برخی اصطلاحات و مفاهیمی همچون آستین برافشاندن، آن، الست، ایمان، تجلی و مناجات با خدا برمیخوریم.
- آستین برافشاندن (۳ مورد - ۶/۸۱):
آستین بر جهان برافشانم گر به دامان دوست دسترسی است
(همان: ۲۳۳)

- آن (۴ مورد - ۹):

دلا حلاوت آن دلستان اگر دانی به جان او که دل از آن او نگردانیم
(همان: ۱۷۸)

- الست (۴مورد- ۹/):

کجا توان گریخت زین بلای عشق
که بر سر من ز الست می‌رود
(همان: ۲۱۰)

- ایمان (۲مورد- ۴/۵۴/):

سایه! ایمان خلیلی نیست در این دام کفر
ورنه آتش را همان شوق گلستان گشتن است
(همان: ۲۱۰)

- تجلی (۴مورد- ۹/):

تو را می‌خواهم ای دیرینه دل خواه
که با ناز گل رؤیا شکفتی
(همان: ۳۴۶)

- دل (۷مورد- ۱۵/۹۰/):

دلی که در دو جهان جز تو هیچ یارش نیست
گرش تو یار نباشی جهان به کارش نیست
(همان: ۱۱۲)

- سالک (۶مورد- ۱۳/۶۳/):

گر مرد رهی غم مخور از دوری و دیری
دانی که رسیدن هنر گام زمان است
(همان: ۱۷۲)

- ناپایداری جهان (۱۱مورد- ۲۵/):

روزی که جان فدا کنمت باورت شود
دردا که جز به مرگ نسجند قدر مرد
(همان: ۸۹)

- مناجات با خدا (۳مورد- ۶/۸۱/):

خداوندا دلی دریبا به من ده
در او عشقی نهنگ آسا به من ده
(همان: ۱۲۶)

۵-۳-۳- مضامین فلسفی

- مرگ ستایی (۲مورد- ۱۵/۳۸/):

من بر نخیزم از سر راه وفای تو
از هستی‌ام اگر چه بر انگیختند گرد
(همان: ۸۹)

- گذرا بودن عمر (۴مورد- ۳۰/۷۶/):

ما همچو خسی بر سر دریای وجودیم
دریاست چه سجد که بر این موج خسی رفت
(همان: ۱۵)

- امید و آرزو (مورد: ۳۸/۴۶):

هرگز ز دل امید گل آوردنم نرفت
این شاخ خشک زنده به بوی بهار توست
(همان: ۱۳۰)

- جدال گذشته و حال (مورد: ۱۵/۳۸):

با من بی کس تنها شده یارا تو بمان
همه رفتند از این خانه خدا را تو بمان
(همان: ۸۳)

۵-۳-۴- مضامین سیاسی-اجتماعی

- مسائل اجتماعی (مورد: ۱۰/۱۶): پرداختن به مسائل اجتماعی می‌تواند رهاورد انقلاب مشروطیت و جریانهای شعری برخاسته از آن باشد. سایه هم از دهه سی، به تدریج در فضای اجتماعی و سیاسی عصر خویش قرار می‌گیرد که بازتاب‌های آرمان اجتماعی او و همچنین واگویی پیروزیها و شکستهای اجتماعی مردم، در اشعارش نمایان است.

گل زرد و گل زرد و گل زرد
بیابا هم بنالیم از سر درد
عنان تا در کف نامردمان است
ستم با مرد خواهد کرد نامرد
(همان: ۳۳۹)

- اوضاع جامعه (مورد: ۱۱/۰۱):

درین سرای بی‌کسی، کسی به در نمیزند
به دشت پر ملال ما پرند پر نمیزند
(همان: ۷۹)

- آزادی خواهی (مورد: ۱۳/۵۵):

تنم افتاده خونین زیر این آوار شب، اما
دری زین دخمه سوی خانه خورشید بگشادم
(همان: ۲۳۸)

- انسان گرایی (مورد: ۲/۵۴):

ای خاک این همان تن پاک است؟
انسان همین خلاصه خاک است؟
(همان: ۱۷۲)

- نوستالوژی (مورد: ۳/۳۸):

شوق جوانه رفت ز یاد درخت پیر
ای باد نوبهار ز عهد کهن بگو
(همان: ۲۲۵)

- نمادها (۲۱مورد-۱۷/۷۹٪):

در کنج قفس پشت خمی دارد شیر گردن به کمند ستمی دارد شیر
(همان: ۳۱۶)

- عناصر مآلی و مذهبی (۴۲مورد-۳۵/۵۹٪):

رستمی بر سر سهراب یلی می‌گیرد نوشداروی امیدی برسان ای ساقی
(همان: ۳۱۶)

- عناصر طبیعت در بیان مفاهیم (۱۴مورد-۱۱/۸۶٪):

بهاری که بر او چشم خزان می‌گیرد لاله را بس بود این پیرهن غرقه به خون
(همان: ۱۲۳)

۶- نتیجه‌گیری

بررسی سبک شخصی ابتهاج در شناخت شعر و شخصیت ایشان بسیار مؤثر است. با انجام این تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که غزل ابتهاج در اکثر زمینه‌ها دارای ظرفیت بالایی است و این خود باعث تشخیص ایشان به عنوان یکی از غزلسرایان تأثیرگذار معاصر شده است. زبان پاکیزه، روان و آراسته ابتهاج- که حاصل تامل و حساسیتهای خاص او در مورد حروف، بهگزینی و چینش هنرمندانه واژه‌هاست- یکی از دلایل سبک شخصی ابتهاج است. بسامد بالای تشبیهات و استعارات زیبا و دلنشین، ترکیبات و اصطلاحات نو و ابتکاری یا به طور کلی نوآوری‌ها، باستان‌گرایی و واژگانی و نحوی در شعر ابتهاج نیز زیبا و چشمگیر است و میتواند بیانگر سبک شخصی وی باشد. استفاده هوشمندانه و مناسب از اوزان شعری برای مفاهیم و مضامین شعری خود- با توجه به شناخت، توانایی و تسلطی که در موسیقی داشت- به گونه ای که روانی کلامش و جاری شدن شعرش در مقام های مختلف موسیقی، حکایت از توانایی های خاص او در هم پوشی وزن و محتوا دارد نیز، میتواند از بارزهای سبکی شعر او به شمار رود. از بررسی جنبه‌های گوناگون باستان‌گرایی در اشعار ابتهاج این گونه برمی‌آید که وی با تحقیق، کاوش و نیز بهره‌گیری از تجارب شاعران گذشته، توانست زبان شعر و بیان خود را از آسیب یکنواختی و ابتذال و نارسایی معنایی حفظ کند. آرکائیسیم واژگانی و نحوی با بسامد بالا باعث تشخیص سبک شخصی و برجسته نمودن کلام ایشان شده است. در میان باستان‌گراییهای ابتهاج، گرایش وی بیشتر به استفاده از واژه‌ها و فعلهای کهن است. تشبیه مهمترین صور خیال از بین صورتهای خیالی در شعر ابتهاج است.

ابتهاج به موسیقی درونی به ویژه تکرار کلمه واج‌آرایی، جناس و از نظر بدیع معنوی، بیشتر به مراعات‌نظیر، تلمیح و تضاد، توجه خاصی داشته است. از نظر فکری ابتهاج از جمله شاعرانی است که در پرداختن به خواهشهای درون و رنجهای روحی و رمانتیسم طبیعت، مهارتهای زیادی دارد. شعر او از عناصر زیبای طبیعت سرشار است. همچنین وی از دلدادگیهای خود به معشوق سخن میگوید و گاه آن را با رمانتیسم غم تلفیق نموده، از هجران و بیوفایی یار ناله میکند. ابتهاج، شاعر و غزل‌سرای برجسته معاصر، در اشعارش هم از عشق و مراودات فی‌مابین صحبت میکند و ناز و کرشمه و فراق یار را به تصویر میکشد و هم در اشعارش از دردها، آرزوها، زخم‌ها و رویدادهای عصر و زمانه خود سخن میگوید.

بخش قابل توجهی از اشعار سایه به مناسبات عشقی ای که هم زمینی و هم آسمانی است، اشاره دارد. مسایل اجتماعی، آزادی‌خواهی، بیان مرارت‌ها، تنگناها، امیدها، ظلم و ستمها... بخشهای دیگر درونمایه اشعار او را شامل میشود.

منابع و مآخذ

- ۱- بررسی منشأ وزن شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴
- ۲- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، تهران: فردوس. چاپ هشتم، ۱۳۸۳
- ۳- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، چاپ ۲، تهران: فردوس، ۱۳۷۵
- ۴- صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران: انتشارات آگاه. چاپ یازدهم، ۱۳۸۶
- ۵- طراز سخن، محمدعلی صادقیان، یزد: دانشگاه آزاد یزد، ۱۳۷۱
- ۶- فنون و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، تهران: هما، ۱۳۶۸
- ۷- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، چ ۳، تهران: سخن، ۱۳۸۴
- ۸- چشمه روشن، غلامحسین یوسفی. چ پنجم، تهران: علمی، ۱۳۷۹
- ۹- دستور تاریخی زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی، چ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۹.
- ۱۰- دستور زبان فارسی، حسن انوری، حسن احمدی گیوی. تهران: فاطمی، ۱۳۸۹
- ۱۱- سیاه مشق، ابتهاج، هوشنگ. تهران: انتشارات کارنامه، ۱۳۷۸